

پرسونا

www.ketab.ir

زهره فصل بهار



انتشارات شادان

زمستان ۱۴۰۱

پرسونا

نویسنده: زهره فصل بهار

ویراستار: مزگان معصومی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۹۹-۲

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۲۲۵۹

نویست دفتر: سوم

زمان نشر: زمستان ۱۴۰۱

شمارگان: ۲۰۰ جلد

قیمت: ۲۲۵,۰۰۰ تومان

بیادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه استفاده مادی، معنوی و غیره (به هر شکل و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی) صرفاً با کسبه اجازه رسمی از ناشر (نماینده نویسنده) امکانپذیر می‌باشد. «این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

ناشر: شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



دفتر مرکزی: تهران

اشرافی اسفهان - بالاتر از نیایش - خیابان درمندی - شماره ۴۸

تلفن ۲۰ ۲۴ ۸۸ - ۸۱ ۸۰ ۴۴ - ۸۰ ۱۸ ۴۴

www.shadan.ir

info@shadan.ir



در اینستاگرام نیز همراهان باشید

عنوان: پرسونا پدیدآور: زهره فصل بهار

تهران: شادان، ۱۳۹۹، ۵۱۱ صفحه، (رمان ۱۲۶۸)

شابک: ISBN : 978-600-7368-99-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: FIR ۸۱۶۹ رده‌بندی دیویی: ۸۵۳، ۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۲۶۴۵۹

اثرات امید و آرزو...

برخی کلمات مثل جُفت‌های جدا ناشدنی‌اند و در ذهن ما همیشه کنار هم می‌نشینند، مثل «امید و آرزو»! شاید اگر اثرگذارترین کلمه در زندگی هر کس را بخواهیم نام ببریم همین «امید» باشد، کلمه‌ای که از هیچ، ناگهان همه چیز می‌سازد. آن گاه آن را با خواسته‌ای در آینده پیوند می‌دهد به نام «آرزو» که بر هیچکس عیب نیست: چه پیر و چه جوان!



مگر بدون امید امکان زندگی کردن هست؟ حتی دست برداشتن به دعا همان معنای امید را دارد، همان تکیه کردن به او که حسن و حال تکیه گاه را می‌دهد و می‌تواند آرزوی فردایت را حاکم واقعیت بپوشاند: پیوندی میان امیدِ امروز با آرزوی فردا! خوب می‌دانیم نمی‌توان جلوی ناخواسته‌ها را در زندگی گرفت و به هر حال پیش می‌آیند و غافلگیر می‌کنند ما را، اما می‌توان با امید، خود را از میان حالِ خراب و درمانده بیرون کشید و چشم به فردایی بهتر و روشن‌تر دوخت. شاید هم هیچگاه آن فردا نرسد و آن آرزو برآورده نشود ولی نیاز آدمیزاد این است که دل ببندد به خیالِ فردایی بهتر!

با این نیروی پایان‌ناپذیر، آدمی هر کاری را ممکن می‌سازد و در هر راهی گام برمی‌دارد، حتی اگر احتمال سخت‌ترین تجربه‌ها را داشته باشد. وقتی امید هست

می‌توان هر تلاشی را برای هر سختی به جان خرید و پیش رفت. درست مانند رسیدن به محال اما ممکن، آنچه ناشدنی است ولی ایمان به شدنش داریم و برایش هر گامی را برمی‌داریم.

داستان پرسونا حکایت امید است به آنچه محال می‌نماید، قصه چشم دوختن به آرزویی که در نگاه اول ناشدنی است و وارد شدن به راههایی که هر گامش خطر است و احتمال از دست دادن همه چیز! نویسنده با طرح اتفاقات گوناگون و داستانی پُر از فراز و نشیب، تاثیرگذاری قهرمان داستان بر دیگرانی را بیان می‌کند که مدتهاست به راهی دیگر رفته‌اند. شاید اگر همین کلمه جادویی امید نبود هیچکدام از این وقایع و تغییرات رخ نمی‌داد و بر زندگی و آینده افراد مختلف اثر نمی‌گذاشت. تاثیراتی که می‌تواند با امید به آینده، عشق را در زندگی متبلور سازد و سالها یک نفر را به پای آن بنشانند.

شخصیت‌های داستان پره‌آزشی خوب دارند و مخاطب را به عنوان فردی واقعی و ملموس متقاعد می‌سازند. این نکته مهم و کلیدی آثار نویسنده است که علیرغم انتخاب سوژه‌های خاص، قهرمانانی واقعی و باورپذیر می‌آفریند. اکنون همراهش شوید و از داستانش لذت ببرید.

بهمن رحیمی

مردادماه ۱۳۹۹ - تهران

www.ketab.ir